

## فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۶، ویژه علوم سیاسی

### بازتاب انقلاب اسلامی ایران در عراق و سوریه

#### بر اساس نظریه پخش

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۲۵

تاریخ تأیید: ۹۶/۱۱/۰۷

عبدالله نوری گلجائی \*

#### چکیده

انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی با مشارکت طبقات مختلف مردم، بازاریان، احزاب سیاسی، روشنفکران، دانشجویان، روحانیون و دیگر اقلیت مخالف حکومت پهلوی در ایران انجام پذیرفت (تاریخچه) با وجود نگاشته شدن آثاری درباره بازتاب انقلاب اسلامی ایران در عراق و سوریه (پیشینه) هنوز مقایسه بازتاب انقلاب اسلامی در عراق و سوریه که حزب واحدی به نام حزب بعث داشتند بر اساس نظریه پخش به خوبی تبیین نشده است. (مسئله) بنابراین سوالی که در این پژوهش طرح می‌شود این است که بازتاب انقلاب اسلامی ایران در عراق و سوریه بر اساس نظریه پخش چگونه است؟ (سوال اصلی) امروزه بر جهانیان ثابت شده که پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر دو کشور عراق و سوریه یعنی بازتاب داشته و تاثیرگذار بوده است. (فرضیه) در این پژوهش برای پاسخ به سوال اصلی از روش توصیفی، تحلیلی و استنباطی با استفاده از نظریه پخش استفاده شده است (روش) میزان اثرگذاری انقلاب اسلامی در دو کشور عراق و سوریه متفاوت بوده بطوریکه در کشور عراق موجب رشد نهضت‌های اسلامی - انقلابی از جمله (جریان حکیم - صدر) گردیده درحالی‌که در کشور سوریه بسیاری از این گروه‌ها از جمله (جریان اخوان المسلمین) به انزوا رفته‌اند. (یافته‌ها)

**واژه‌های کلیدی:** بازتاب انقلاب اسلامی ایران، عراق، سوریه، نظریه پخش.

\* دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم ع.

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی با مشارکت طبقات مختلف مردم، بازاریان، احزاب سیاسی مخالف حکومت پهلوی، روشنفکران، دانشجویان و روحانیون شیعه در ایران انجام پذیرفت، و نظام پادشاهی این کشور را سرنگون، و زمینه روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، به رهبری روحانی شیعه، امام خمینی(ره) را فراهم کرد. تفکرات و شخصیت‌های اسلامی، در این انقلاب ضدسلطنتی حضور برجسته‌ای داشتند و امام خمینی(ره) آن را انقلاب اسلامی خواند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران پیامدهای مستقیم و غیر مستقیمی برای نظام بین الملل و عناصر و فرآیندهای درونی آن داشت. خروج ایران از اردوگاه غرب و تقابل اساسی با نظام بین الملل، تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه‌ای وارد نمود. عامل بسیاری از این تأثیرات را می‌بایست در ویژگی‌های منحصر به فرد این انقلاب، چه در بعد نظری و چه در بعد اجرایی جستجو نمود. اگر چه قرن بیستم شاهد تحولات و وقایع متنوعی از این جنس و در این سطح بود اما هیچ کدام از این وقایع در چنین گستره‌ای بازتاب نداشتند و تأثیرگذار نبوده‌اند. از منظر میشل فوکو نظریه پرداز فرانسوی، انقلاب سال ۱۹۷۸ متضمن امتناع کل یک فرهنگ و یک ملت از رفتن زیر بار یک جور نوسازی است که در نفس خود کهنه گرایی است. چنین انقلابی به مثابه انقلابی بدون تشکیلات، غیر حزبی و در نوع خود بی نظیر است. (فوکو، ۱۳۷۹: ۴۳)

مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود. اسلامی که به زعم بسیاری در صفحات کهن تاریخ فرتوت شده و از اذهان رخت بر بسته بود، اینک با هسته‌ای قدرتمند و امواجی فراتر از مرزهای ملی بازگشته و به جهانیان صادر شده است. (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۸۳ - ۹۰)

انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های اجتماعی که نیمه دوم قرن بیستم را فرا گرفته است. در جهانی که تغییر و تحولات مستمر، مرزهای طبیعی جوامع را درنوردیده و سرنوشت ملت‌ها را به هم پیوند زده، پدیده‌ای به این گستردگی و عظمت نه تنها نهادها و نظام‌های یک ملت و یک قوم را درهم ریخته و سرنوشت تاریخی آنان را در مسیر تغییرات بنیادینی قرار داده است. گسترش موج حرکت‌های اسلامی و اوج‌گیری نهضت‌های بنیادگرایی در منطقه و کشورهای مسلمان به یکی از عمده‌ترین پدیده‌های سیاسی دهه ۱۹۸۰ و در واقع نیمه دوم قرن بیست تبدیل شده است. اکثریت قریب به اتفاق محققان مسایل اسلام، اتفاق نظر دارند که انقلاب اسلامی در ایران و صدور آن بزرگ‌ترین محرک جنبش‌های سیاسی اسلامی بوده است. با توجه به آنچه که گفته شد، هدف از این پژوهش بررسی میزان اثرپذیری کشورهایمانند عراق و سوریه که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی یک حزب واحد بنام حزب بعث داشته؛ چه میزان بوده است و به تعبیری دیگر آیا این دو کشور به یک اندازه اثرپذیری از انقلاب اسلامی ایران داشته‌اند؟ و یا عواملی دیگر موجب عدم تطابق تاثیرپذیری از انقلاب اسلامی در این دو کشور شده است. در برخی از کشورهای اسلامی تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران حرکت‌ها و جنبش‌های مذهبی یا به طور کلی وجود نداشته و یا چنانچه از موجودیت نیز برخوردار بودند، فعالیت‌هایشان چشمگیر نبود. (گلی زواره، ۱۳۸۶: ۱۳۶ - ۱۴۳)

در واقع در این کشورها گروه‌های اسلامی بر دو نوع هستند. نخست جنبش‌هایی که قبل از انقلاب اسلامی وجود نداشته و تنها پس از آن تاسیس شدند و دست به فعالیت زدند و دوم گروه‌ها و جنبش‌هایی که هرچند قبل از انقلاب اسلامی به طور رسمی تاسیس شده بودند. اما فعالیت عمده و گسترده نداشتند و بیشتر به اقدامات تبلیغی در سطح کوچک بسنده می‌کردند و سیاست انفعالی در قبال دولت‌های حاکم داشتند. گروه دوم پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، و با الگو و الهام گرفتن از آن سیاست فعال در پیش گرفته و از نظر کیفی و کمی به رشد قابل ملاحظه‌ای دست یافتند. در کشوری مانند

عراق اگرچه برخی از گروه‌ها و احزابی مانند حزب الدعوه وجود داشته که با نظام حاکم به مبارزه می‌پرداخته؛ اما موجودیت خود را مدیون انقلاب اسلامی می‌دانند. با توجه به آنچه که بیان شد بازتاب انقلاب اسلامی را در کشورهای عراق و سوریه بر اساس نظریه پخش، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## عراق

عراق کشوری است با بیش از ۷۵ درصد عرب و ۱۸ درصد کرد و شیعیان بین ۵۲ تا ۸۰ درصد جمعیت آن را دربر می‌گیرند. این کشور به دلیل مقادیر زیاد نفت به خصوص در کرکوک و بصره دارای موقعیت استراتژیک است. (Nakash ۲۰۰۳: ۹۷) عراق با حدود ۳۰ میلیون نفر جمعیت، هر چند محصور در خشکی نیست، اما تنها ۴۰ کیلومتر با خلیج فارس مرز دریایی دارد. (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ۱۸۳)

روابط ایران با عراق را می‌توان به دو بخش روابط میان مردم و ملت ایران و عراق و بخش دیگر به روابط میان دولت ایران و عراق تقسیم کرد. روابط مردمی میان ایران و عراق به دلایل مذهب مشترک (مذهب تشیع)، وجود قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام، وجود حوزه‌های علمیه، حضور علماء و روحانیون در این دو کشور و ارتباط میان یکدیگر و غیره موجب شده تا میان ملت‌ها روابطی حسنه برقرار باشد؛ اگر چه مخالفین و دشمنان این دوستی همواره سعی در از بین بردن روابط حسنه بوده و با ترویج موضوعاتی مانند عرب و عجم، و برتری قوم عرب بر قوم عجم همواره سعی در مخدوش ساختن روابط در میان توده‌های مردم بوده اند. در بخش دوم این روابط، که میان دولت‌ها است در دوران‌های مختلف با فراز و فرودهایی همراه بوده است به طوری که به دلیل حضور دولت‌های فرمانطقه‌ای در ایران و عراق بر روابط بین دو کشور تأثیرات زیادی به همراه داشته است. (جعفری ولدانی، ۱۳۶۶: ۳۹)

با پیروزی انقلاب اسلامی، دولت عراق تحولات جدید ایران را با نارضایتی پذیرا شد، اما منتظر فرصت ماند تا از تحولات پیش آمده به نفع اهداف استراتژیک و ایدئولوژیک خود در منطقه استفاده کند، اما انقلاب اسلامی ایران پدیده‌ای نبود که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. بویژه آن که تعداد زیادی از شیعیان عراق به این انقلاب دل بسته بودند به همین جهت تنها دو روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در اولین روز شروع کار کابینه مهندس بازرگان، دولت عراق در یک اقدام شتاب‌زده نامه‌ای برای مهندس بازرگان فرستاد که در آن به «احترام به حق حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی دیگران و احترام به آزادی‌های مشروع ملت‌ها» اشاره شده بود. در بند سوم نامه «رهبری حزب سوسیالیستی بعث عراق از پیروزی ملت ایران احساس غرور و خوشحالی کرده بود.» و در بند چهارم اظهار اطمینان کرده بود که انقلاب اسلامی، در کنار ملت برادر عرب در راه مبارزه عادلانه علیه صهیونیست ستمکار و امپریالیسم حامی آن خواهد ایستاد. (مرکز مطالعات جنگ سپاه، ۱۳۷۵: ۹۵)

علی‌رغم پایان جنگ ایران و عراق در برقراری آتش‌بس، برخی از اختلافات میان دو کشور همچنان حل نشده باقی مانده است. در کنار اختلافات سیاسی بین دو کشور مسائلی همچون میله‌گذاری خطوط مرزی، انعقاد قرارداد صلح، لایروبی اروندرود، تعیین فلات قاره و پرداخت غرامات جنگی و مسائلی دیگر بر روابط ایران و عراق سایه افکنده است که در زیر، به این مسائل پرداخته می‌شود. (ولی بیک، ۱۳۶۶: ۲۸)

## سوریه

جمهوری عربی سوریه کشوری در جنوب غرب آسیا و در کنار سواحل شرقی دریای مدیترانه است. این کشور از شمال با ترکیه، از شرق با عراق، از غرب با لبنان و دریای مدیترانه و از جنوب با اردن و فلسطین همسایه است. دمشق پایتخت سوریه و حلب بزرگ‌ترین شهر آن است. موقعیت سوریه در غرب آسیا و ساحل شرقی مدیترانه در طول

تاریخ جایگاهی استراتژیک به این کشور بخشیده است. جنگ داخلی سوریه از سال ۲۰۱۱ آغاز شده و موجب ویرانی‌ها و ناامنی‌های گسترده در این کشور شده است. این کشور در گذشته شام نامیده می شد. نام کنونی سوریه را فرانسویان پس از فروپاشی عثمانی و مستعمره نمودن این کشور از روی تاریخ کهن این بخش از جهان و آشوریان باستانی بر این سرزمین نهادند. از نظر مذهبی حدود ۷۴ درصد جمعیت سوریه را مسلمانان سنی، ۱۳ درصد علویان، شیعیان دوازده امامی و اسماعیلیان، ۱۰ درصد مسیحی و ۳ درصد دروزی تشکیل می دهند. از نظر قومیتی هم اعراب بیش از ۹۰ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می دهند در حالی که کردها حدود ۹ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می دهند. ارمنه، ترک‌ها، چرکس‌ها و یهودیان مجموعاً کمتر از ۱ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می دهند. (حاتمی - بحرانی، ۱۳۹۲: ۷)

قبل از انقلاب اسلامی، روابط سیاسی میان تهران و دمشق پس از استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ و با به رسمیت شناختن سوریه از طرف دولت ایران برقرار گردید. این رابطه بدون تنش‌های تا اواسط دهه ۱۹۵۰ ادامه داشت و از نیمه دهه ۵۰ با سوق یافتن نظرات شاه به سمت احیای ناسیونالیسم پارسی باعث شد که در مقابل کشورهای قریب‌تر که تمایلات ناسیونالیستی عربی داشتند و سوریه از جمله آن کشورها بود. البته مسئله رابطه شاه با اسرائیل نیز در این میان مؤثر بود. در اواسط دهه ۱۹۶۰ بعد از سخنان نخست وزیر وقت سوریه مبنی بر عربی بودن سرزمین خوزستان، روابط بین دو کشور رو به تیرگی نهاد و این تیرگی تا اوایل دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت. با حمایت شاه از کشورهای عربی در جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ و ارسال کمک‌های مالی و پزشکی، زمینه‌ای برای تنش‌زدایی در روابط بین کشورهای عربی و ایران منجمله سوریه فراهم گردید و رابطه بین دو کشور رو به بهبود گذاشت بطوری که در سال ۱۹۷۵ چند ماه پس از انعقاد قرارداد الجزایر بین ایران و عراق، حافظ اسد که کشورش در انزوا قرار گرفته بود، به تهران سفر

کرد. او این سفر را نقطه عطفی در روابط و مناسبات دو کشور دانست. با این ترتیب روابط بین ایران و سوریه قبل از سال ۱۳۵۷ به ظاهر روابطی دوستانه بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و درست در زمانی که دیگر کشورهای اسلامی سیاست دوگانه‌ای اتخاذ کرده بودند و از ترس تاثیر انقلاب اسلامی ایران به سرزمینهایشان به تکاپو افتاده بودند، سوریه از جمله معدود کشورهای اسلامی بود که نه تنها دولت جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت، بلکه انقلاب اسلامی را هم مورد حمایت قرار داد. در همان ابتدا و به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه طی پیامی به مقامات ایران این پیروزی را تبریک گفت و این انقلاب را به عنوان ضربه مهلکی بر امپریالیسم امریکا و صهیونیسم قلمداد کرد. لذا از ابتدای سال پیروزی انقلاب، روابط سیاسی دوستانه‌ای بین ایران و سوریه آغاز گشت. روابط ایران و سوریه با شروع جنگ تحمیلی وارد مرحله جدیدی شد و تحول عمیق تری یافت. با توجه به هم مرز بودن سوریه و عراق و مشکلاتی که از گذشته بین دو کشور وجود داشت جنگ بین ایران و عراق اثر مستقیم برجای گذارد. پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن قطع رابطه با رژیم صهیونیستی و پیوستن ایران به صف مبارزان علیه اسرائیل و حمایت بی‌دریغ از حقوق حقه ملت فلسطین و از طرف دیگر آغاز جنگ با دشمن دیرین سوریه، یعنی عراق، نمی‌توانست بر رابطه دولت سوریه با ایران بی‌تاثیر باشد. دولت سوریه در ابتدای جنگ از تهاجم گسترده عراق به ایران و پیروزی‌هایی که دشمن دیرینش در ابتدا به دست آورد وحشت زده شد. بدین علت از محکوم کردن علنی دولت عراق در آغاز خودداری کرد، زیرا می‌پنداشت که پس از پیروزی قدرتمندانه عراق بر ایران، نوبت حمله به سوریه خواهد رسید.

سوریه در ابتدا با احتیاط تنها به ارسال مقادیری اسلحه و تجهیزات به ایران بسنده کرد و در عین حال شروع به کمک به گروه‌ها و مخالفان صدام از جمله کردها، کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها و... کرد؛ لیکن با مشاهده افزایش مقاومت نیروهای ایرانی در

برابر متجاوزان عراقی، مواضع دولت سوریه در حمایت از جمهوری اسلامی تغییر یافت و به صورت علنی از ایران حمایت و دولت عراق را به علت آغاز جنگ و حمله به ایران محکوم نمود و عراق را متهم کرد که به عنوان عامل امپریالیسم جنگ را به نفع امریکا و برای انحراف اعراب در مبارزه با اسرائیل شروع کرده است. (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۰۷-۲۱۲)

### چارچوب نظری

تورستن هاگراسترن «Toresten Hagerstrand» جغرافیدان سوئدی و استاد دانشگاه لاند، در سال ۱۹۵۳ تئوری پخش را بیان ساخت. او برای اولین بار، با کمک همکاران خود، موفق به بررسی و ارائه نظریه پخش در زمینه گسترش نوآوری‌ها و پدیده‌های کشاورزی شد و نتایج و اصول مربوط به این نظریه را به طور قطعی در سال ۱۹۶۸ بیان ساخت. نتایج مطالعات هاگراسترن در کشورهای اروپایی و بویژه آمریکا، نظر بسیاری از جغرافیدانان و اندیشمندان را به خود معطوف داشت، اصول و مبانی این نظریه در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های مدیریتی و توسعه‌ای به کار گرفته شد، از سوی دیگر در علم پزشکی نیز در زمینه پخش انواع امراض مورد استفاده قرار گرفت. (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۱۳) نظریه پخش «Diffusion» به تحلیل و تشریح کیفیت و چگونگی گسترش یک پدیده یا نوآوری در طول زمان و در گستره یک فضای جغرافیایی می‌پردازد، تا از این طریق علل و دلایل پخش و تراوش یک رویداد و پدیده را از منطقه‌ای به مناطق دیگر کشف نماید. هاگراسترن چند نوع پخش را تشخیص داده است:

#### ۱- پخش جابجایی

پخش یک نوآوری یا یک عنصر از فرهنگ می‌باشد که لازمه آن انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل یک اندیشه است. پخش جابجایی، زمانی رخ می‌دهد که افراد و یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این



طریق ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش می‌یابند. مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی با پخش جابجایی، اشاعه یافته‌اند. مهاجرت مسیحیان اروپایی به آمریکا نمونه‌ای از این پخش است. کل فرایند استعمار اروپاییان از سال ۱۵۰۰ تا ۱۹۵۰ از انواع پخش جابجایی است. به نظر می‌رسد در دوره‌های گذشته الگوی پخش غالب، پخش جابجایی بوده؛ اما با اختراع و رواج پدیده‌های جدید ارتباطی، الگوی پخش جابجایی تا حدود بسیار زیادی کمرنگ شده است.

## ۲- پخش سلسله مراتبی

در این نوع از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک «فرد مهم» به فرد دیگر و یا از یک مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترش می‌یابد. بنابراین فرایند پخش و پذیرش مدهای جدید لباس و یا مد آرایش سر و یا کالاهای مصرفی جدید نظر کامپیوتر و یا عقاید و ایدئولوژی‌ها از پایتخت به شهرهای بزرگ، میانی، کوچک و روستا و به صورت سلسله مراتبی انجام می‌شود. بنابراین نوآوری‌ها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات پایین‌تر منتشر می‌شود. برخی بدان «انتشار ریزشی» نیز گفته‌اند؛ یعنی فرایندی که از مراکز بزرگ‌تر و مهم‌تر به مراکز کوچک‌تر سرازیر می‌شود. مثلاً در صدر اسلام، با اسلام آوردن رئیس قبیله، کل افراد نیز تغییر دیانت می‌دادند. این مورد یکی از بهترین پخش سلسله مراتبی است.

## ۳- پخش سرایتی یا واگیردار

در مقابل پخش سلسله مراتبی است. در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می‌گیرد؛ مانند اشاعه بیماری‌های مسری چون بیماری‌های واگیردار مانند سرخک، پخش از یک شخصی به شخص دیگر، با تماس مستقیم منتشر می‌شود. این فرایند به شدت تحت تأثیر «فاصله» قرار دارد. بنابراین افراد و

نواحی نزدیک نسبت به افراد و نواحی دوردست، احتمال تماس بیشتری دارند.  
(برزگر، ۱۳۹۱: ۳۰-۶۵)

### بازتاب انقلاب اسلامی در عراق و سوریه بر اساس نظریه پخش

همان گونه که پیش تر بیان شد، برطبق نظریه پخش، هر نوع آوری می‌تواند از سه طریق پخش جابجایی، سلسله مراتبی و سرایتی از مبداء به مقصد منتقل شود. در ذیل انتشار پدیده انقلاب اسلامی ایران در دو کشور عراق و سوریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### بازتاب انقلاب اسلامی در عراق

یکی از کشورهایی که بیشترین تاثیر و یا بازتاب را به واسطه انقلاب اسلامی به خود دیده است کشور عراق است. عراق به دلایل مختلفی همچون همسایگی، وجود اکثریت شیعیان، ارتباط مستمر میان علماء و روحانیون و غیره یکی از کشورهایی است که بیشترین اثرپذیری از انقلاب اسلامی داشته است.

فیلیپ رایبیز (Philip robins) از جمله محققان در خصوص تحولات کشور عراق و نویسنده کتاب آینده خلیج فارس، سیاست و نفت در دهه نود است. او در مقاله‌ای با نام «عراق، تهدیدات انقلاب و واکنش‌های حکومتی» به بررسی تاثیرات انقلاب اسلامی ایران در عراق پرداخته است. «رایبیز» در این مقاله به صراحت می‌گوید:

«اگر در کشوری از تحولات انقلابی ایران باید نگران باشد، کشور عراق است؛ چرا که اولاً از حیث موقعیت جغرافیایی همسایه ایران است و مرز مشترک بسیاری با ایران دارد و ثانیاً مردم این کشور در سطح هویت اسلامی دارای مشترکات قابل توجهی با مردم ایران هستند. یادآوری می‌شود از میان شیعیان عراق که اکثریت جمعیت این کشور را

تشکیل می‌دهند درصدی اصالتاً ایرانی هستند و همه این عوامل زمینه را فراهم می‌آورد تا این کشور تا حد زیادی از انقلاب ایران تاثیر پذیرد.» (رابینز: ۱۳۸۱)

### پخش سرایتی

رشد گروه‌های شیعه در عراق با الهام از انقلاب اسلامی و حرکت شیعه در ایران است. همجواری و ارتباط تاریخی میان جوامع شیعه دو کشور بویژه حوزه‌های علمی عراق و ایران باعث روابط حسنه‌ای بین آنها شده است. اکثریت مردم عراق شیعه بودند اما شیعیان کمترین سهم را در قدرت و ساختار سیاسی داشتند. لذا انقلابی با آموزه‌های تشیع و تاسیس حکومت دینی، ممکن بود این اکثریت را به حرکت انداخته و صدام و حزب بعث را از قدرت ساقط کند. عوامل بسیاری سبب احیا و خیزش تفکر شیعی در عراق شد. که از آن جمله انزوای دیرین سیاسی شیعیان در عراق، محدود شدن آزادی‌های مذهبی شیعیان از سوی حکومت‌ها؛ تبعیض اجتماعی و اقتصادی فراگیر برای شیعیان. بر همین اساس برای شیعیان عراق زمینه‌ها و دلایل بسیار مهمی وجود داشت که انقلاب ایران را کعبه‌آمال و الگوی خود ببینند و با ایران همدلی داشته باشند. علاوه بر این، جوار و قرب جغرافیایی و اشتراکات تاریخی، وجود مکان‌های مقدسه دینی و مذهبی طراز اول در عراق و ایران سبب شد تا شیعیان عراق همواره روابط نزدیکی با جامعه ایران داشته و با پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان عراق تمایل بسیاری به الگوگیری از انقلاب اسلامی در ایران داشته باشد. در سال ۲۰۰۳ میلادی و با از میان رفتن رژیم بعث به سرکردگی صدام، فشارها و اختناق‌هایی که بر جمعیت شیعیان عراق همواره سایه افکنده بود برداشته شد و شیعیان عراق با تعامل و ارتباط بیشتری که با انقلاب اسلامی و آموزه‌های آن دریافته بودند؛ سعی در ترویج شعار اسلامی و انقلابی زدند از آن جمله برپایی مراسم عاشورا و تاسوعای حسینی به طور گسترده در کربلا، اجرای مراسم راهپیمایی عزای حسینی در اربعین و پیاده روی از نجف به کربلا، برپایی راهپیمایی روز قدس در آخرین جمعه ماه

مبارک رمضان، پیروی از فرمایشات مرجعیت مانند آیت الله سیستانی در دفاع از عتبات عراق در مقابل جریان‌های سلفی و تکفیری و غیره را می‌توان نام برد.

### پخش سلسه مراتبی

حرکت‌های سیاسی مذهبی در هر یک از دو کشور در دیگری تاثیر گذارد. این وابستگی متقابل از دوران انقلاب مشروطیت به بعد شکل سیاسی گرفته است. قبل از بررسی تاثیر پذیری جنبش اسلامی عراق از انقلاب اسلامی ایران باید به ذکر این نکته پرداخت که جنبش شیعه در عراق تحت تاثیر جنبش‌های اسلامی سنی در جهان عرب، نیز قرار داشته است. اخوان المسلمین همانند سایر کشورهای عرب، در عراق نیز شاخه‌ای به رهبری محمد محمود الصواف دایر کرد. اما فعالیت‌های عمده‌ای بویژه، از نظر سیاسی بجز مواردی در اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ نداشت. از جمله فعالیت‌های آن صدور جزوه معروف «حتى يعلم الناس» تا مردم بدانند در اعتراض به سرکوب اخوان مصر از سوی ناصر بود. (سریع‌القلم، ۱۳۷۴: ۳۹۳-۳۸۳) جنبش‌های اسلامی عراق همگی شیعه هستند و گرچه سابقه بعضی از آنها به سال‌های قبل از انقلاب اسلامی ایران می‌رسد اما فعالیت سازماندهی عمده آنها پس از انقلاب در ایران شروع شد. (النفیس، ۲۰۰۵: ۱۱۱) مهم‌ترین و برجسته‌ترین گروه شیعه حزب «الدعوة الاسلامیه» که بنا به قولی اعضای اولیه آن از حزب «التحریر اسلامی» عراق (شاخه عراقی حزب التحریر که در ۱۹۵۲ از سوی شیخ تقی الدین نبهانی در اردن تاسیس شد) جدا شدند. شیعیان طرفدار حزب التحریر حزب الدعوة الاسلامیه را بنیان‌گذاری کردند. پس از تاسیس جمهوری اسلامی ایران، فعالیت‌های حزب الدعوت علیه دولت بعث شدت گرفت، و ارتباط معنوی حزب با انقلاب اسلامی به این منجر شد که حزب الدعوة رسماً خواستار سرنگونی رژیم بعث و برپایی حکومت اسلامی در عراق شود. (عراق، صحنه بازی قدرتها، ۱۳۷۶)

با اوج گیری اختلافات لفظی میان ایران و عراق، صدام حسین، آیت الله محمدباقر صدر و خواهرش بنت الهدی را دستگیر و در زندان به شهادت رساند. پس از آن اکثریت رهبران و اعضاء حزب به ایران آمدند. اما فعالیت‌های سیاسی و به ویژه نظامی آنها در عراق ادامه یافت. افرادی چون شیخ محمد مهدی آصفی، سید کاظم حائری، مهدی علی اکبر شریعتی، علی محمد کورانی، مهدی خالصی و حمید مهاجر در کادر رهبری حزب که به نوعی به فعالیت شورایی معتقد است قرار دارند. حزب الدعوة نشریه الجهاد را در سال‌های گذشته در ایران منتشر می‌ساخته است، که بیانگر اندیشه‌های این گروه است. حزب الدعوة فعالیت‌های نظامی گسترده‌ای در طول سال‌های جنگ ایران و عراق در عراق داشته است. (Oliker، ۶: ۲۰۰۷)

علاوه بر حزب الدعوة گروه برجسته دیگر شیعه در عراق «سازمان پیکار اسلامی» (منظمه العمل الاسلامی) است که رهبری سیاسی و معنوی آن را آیت الله محمد شیرازی به عهده داشته است. گرچه امکانات مالی سازمان پیکار از حزب الدعوة بیشتر است، اما به نظر بعضی‌ها نفوذ حزب الدعوة را در میان عراقی‌ها ندارند. علامه محمد تقی مدرسی نیز از رهبران فکری آن است. سازمان پیکار فعالیت‌های گسترده‌ای در خارج از ایران و عراق دارد و شاخه‌های دانشجویی آن در اروپا و آمریکا و کانادا بسیار قوی هستند و نشریات متعددی به زبان‌های مختلف منتشر می‌کنند. العمل اسلامی که به زبان عربی در تهران منتشر می‌یابد، ارگان سازمان پیکار است. میان حزب الدعوة و سازمان عمل اسلامی اختلاف نظر هائی در رابطه با تاکتیک مبارزه و شیوه‌های اداره کشور وجود دارد. نفوذ انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی عراق زمانی آشکار شد، که مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، از طرف گروهی از روحانیون عراقی تحت رهبری محمدباقر حکیم پایه گذاری شد.

این مجلس در آبان ۱۳۶۱ برای متحد کردن و پیش بردن مبارزه علیه رژیم بعث بوجود آمد، و بعد از چندی سید محمود شاهرودی ریاست آن را برعهده گرفت. مجلس

اعلا در یک بیانیه ۶ ماده‌ای اصول مورد نظر خود را که شامل اصل نه شرقی و نه غربی در سیاست خارجی، برقراری حکومت اسلامی، کمک به جنبش‌های آزادی بخش و اعتقاد به جمهوری اسلامی ایران بود، اعلام کرد.

### بخش جابجایی

ارتباط مستمر مراکز اندیشه و علم تشیع دو کشور عراق و ایران با یکدیگر باعث استواری تأثیر ایران در عراق شد. این آمیختگی اندیشه‌های تشیع دو کشور سبب شد زعامت مذهبی مردم این کشور به دست ایرانیان یا کسانی افتاد که ایرانی الاصل بودند. گذشته از رهبران مذهبی و وعاظ که نفوذ کلامی وسیع داشتند بیشتر طلبه‌های علوم مدارس مذهبی نجف اشرف نیز ایرانی بودند که بیشتر آنان پس از پایان تحصیلات خود، اقامت در کربلا و نجف را ترجیح می‌دادند. اقامت این عده در این شهرها باعث شد شیوه‌های تفکر ایرانی هر چه بیشتر در جامعه عراق اثر گذاشته است. مؤمنان و روحانیان ایران قرن‌هاست که مجذوب سه مکان مقدس در عراق (نجف، کربلا، و کاظمین) شده‌اند. در عوض شیعیان عراق نیز شیعیان ایران را حامی سیاسی خود و وزنه‌ای در مقابل فرمانروایان سنی بغداد می‌دانستند. این روابط، شیعیان عراق را به هدف مناسبی برای سیاست‌های ایران به منظور سرنگونی رژیم عراق، چه در دوران شاه و چه در دوران امام خمینی(ره) تبدیل کرد. به این ترتیب، نفوذ ایران عامل مهمی در تحول ایدئولوژیک و سازمانی پیکارجویی شیعیان عراق به شمار می‌آید و بسیاری از گروه‌های نماینده مقاومت شیعی در برابر قدرت بعثی عراق با ایران تماس‌هایی داشتند. (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۷) در حال حاضر نیز با از میان رفتن رژیم صدام، سطح روابط در میان دولتمردان و مردم به شدت توسعه یافته به طوری که سالانه میلیون‌ها نفر از مردم ایران و عراق به جهت زیارت عتبات به کشورهای یکدیگر سفر کرده و علماء و روحانیون دو کشور برای ادامه تحصیل به ایران و یا عراق سفر می‌کنند. علاوه بر این بسیاری از مردم عراق سالانه به جهت

درمان و استفاده از خدمات پزشکی، به ایران مهاجرت کرده و از خدمات درمانی جمهوری اسلامی ایران بهره مند می‌شوند؛ که این خود عاملی برای ترویج فرهنگ و آموزه‌های انقلاب اسلامی و توسعه اهداف و آرمان‌های انقلاب در خارج از مرزهای ایران و به خصوص در کشور عراق می‌باشد.

### نمودهای عینی بازتاب انقلاب اسلامی بر عراق

#### ۱- هویت یابی، خودآگاهی شیعیان

جوامع شیعی به عنوان مکمل‌های فضایی که به مرکز خود احساس تعلق می‌کردند، در اثر انقلاب اسلامی هویت تازه خود را پیدا کرده، بر آن تکیه کردند. این خود آگاهی و خود باوری به آنان جرات و شجاعت بخشید تا مثل ایران بر ویژگی‌های ممتاز مذهب تشیع بیشتر متمرکز شوند و از آموزه‌های آن نظیر جهاد، مبارزه با ظلم، ایشار و شهادت طلبی در راستای اهداف ژئوپلیتیک خویش بهره ببرند. یکی از مهم‌ترین دلایل این تاثیر، قابلیت نهفته در مذهب تشیع است که در شکل آموزه‌های سیاسی و اجتماعی متبلور شده است در نتیجه خود به خود متغیر شیعه به یکی از مؤلفه‌های اصلی در تحلیل مسائل جهانی تبدیل شد و جایگاه خود را بازیافت. (سیف زاده، ۱۳۸۷: ۲۲۹-۲۲۸)

#### ۲- مشارکت سیاسی و شکل‌گیری یا تقویت جریان‌ها و تشکل‌های سیاسی

انقلاب اسلامی باعث شکل‌گیری یا تقویت ده‌ها حزب و تشکل سیاسی در میان شیعیان کشورهای منطقه شد که با الهام‌گیری از موفقیت‌های انقلاب اسلامی، توانستند در میدان سیاسی کشورهای خود به نقش آفرینی بپردازند. نگاهی به فعالیت‌های این گروه‌ها نشان می‌دهد که بیشتر آنها با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از نظر ذهنی و عملی از انقلاب اسلامی اثر پذیرفتند. از میان آنها می‌توان به حزب الدعوه در عراق را نام برد. علاوه بر این به افزایش میزان مشارکت شیعیان در نظام سیاسی عراق منجر شد؛ بر

این اساس شیعیان عراق، پس از انقلاب اسلامی موفق شده‌اند نقش مهم تر و مشارکت بیشتری در ساختارهای سیاسی به خصوص در دوران پس از صدام، ایفا کنند. (کلیم صدیقی، ۱۳۷۹: ۱۸۶)

### موانع پخش انقلاب اسلامی در عراق

با از میان رفتن رژیم بعث در عراق اگرچه فعالیت‌های گسترده شیعیان به ویژه در امر سیاسی افزایش یافته به طوری که سمت‌هایی مانند نخست وزیری را بر عهده گرفته‌اند اما انتشار و پخش انقلاب اسلامی در عراق در این میان موانعی وجود دارد، دولت عراق، دولت مستقل و توانمندی نیست به طوری که در مقابل حوادث و مشکلات مختلف به خصوص مشکلات امنیتی آسیب پذیر است. (همان، ۱۰۶) وجود تروریسم‌های تکفیری و جهادی مشکلات اقتصادی و امنیتی متعدد و جمعیتی ناهمگون از لحاظ مذهبی از جمله این موانع است؛ عده‌ای سنی کرد و سنی عرب در این کشور زندگی می‌کنند که خواهان حقوقی بیشتر برای خود در عراق‌اند. (Galbraith ۲۴۵: ۲۰۰۵)

### بازتاب انقلاب اسلامی در سوریه

انقلاب اسلامی در کشوری مانند سوریه که با جمهوری اسلامی ایران مرز مشترکی ندارد؛ اثرگذار بوده و در آنجا بازتاب داشته است. بازتاب انقلاب اسلامی در کشور سوریه، با توجه به اقلیت شیعیان در سوریه و عدم رفت و آمد گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی سوریه در پیش و پس از انقلاب اسلامی، موجب شده که از مدل‌های سه گانه پخش، پخش سرایتی، جابجایی منتفی بوده و بازتاب انقلاب اسلامی در کشوری مانند سوریه صرفاً از طریق پخش سلسله مراتبی است؛ به طوری که آن هم از طریق برخی گروه‌های اهل سنت، مانند اخوان المسلمین در سوریه می‌باشد. بازتاب انقلاب اسلامی در سوریه، بهترین نمونه رادیکال شدن گروه‌های اسلامی تحت تاثیر انقلاب ایران بوده است. در سوریه



جنبش اخوان المسلمین در دهه ۱۹۸۰ فعالیت‌های خود علیه دولت بعث را گسترش داد و به نبرد مسلحانه وسیع و گسترده متوسل شد. گرچه اخوان سوریه همیشه از اخوان مصر تندروتر بوده است، اما شدت این تندروی تا قبل از دهه ۱۹۸۰ چندان مشهود نبود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در فوریه ۱۹۷۹، حملات اخوان علیه رژیم بعث گسترش یافت و جنبش اسلامی سوریه درصدد برآمد به شیوه مسلمانان ایران به یک انقلاب اسلامی متوسل شود. البته اخوان المسلمین سوریه از همان آغاز فعالیت‌های خود در سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، تحت رهبری مصطفی السباعی طرفدار نوعی رادیکالیسم اسلامی بود و در مواضع اقتصادی خود به سوسیالیسم اسلامی اعتقاد داشت. این مواضع در کتاب معروف سباعی تحت عنوان «الاشتراک الاسلامیه» به تشریح مورد تحلیل قرار گرفته است. رویارویی اخوان با دولت سوریه از سال ۱۹۶۳ یعنی روی کار آمدن حزب بعث شروع شد. و تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، چندین رویارویی (در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۴-۶۵) میان آنها روی داد. (دکمچیان، ۱۳۶۶: ۱۴۹)

مرحله جدید رویارویی در ژوئن ۱۹۷۹ (چهار ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران) آغاز شد، و طی آن اخوان در جریان یک حمله نظامی به دانشکده افسری ۳۸ دانشجوی بعثی را کشت. دولت سوریه در ژوئیه ۱۹۸۰، جرم همکاری با اخوان را مرگ اعلام کرد. در اکتبر ۱۹۸۰ اخوان در سوریه در ائتلاف با چند گروه دیگر اسلامی «جبهه اسلامی سوریه» (الجبهه الاسلامیه فی سوریا) را بیانگذاری کرد که تحت رهبری سعید حوا عدنان سعدالدین بود. این جبهه در نوامبر ۱۹۸۱ سندی تحت عنوان بیانیه انقلاب اسلامی در سوریه و برنامه آن «بیان الثورة الاسلامیه فی سوریا و منهاجا» منتشر ساخت و اهداف خود را در آن بیان کرد. (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۱۷-۱۵۵)

سرنگونی رژیم بعث اصل نخست این بیانیه بود، و یکی از اهداف آن دست زدن به جهاد مسلحانه علیه نظام و تبدیل حکومت بعث به یک حکومت اسلامی عنوان گردید. شورش‌های گسترده در شهر حماه و حلب در فوریه ۱۹۸۲ اوج درگیری جبهه اسلامی با

حکومت بعث بود. این قیام سه هفته به طول انجامید و با سرکوب شدید نیروهای اخوان المسلمین از سوی ارتش سوریه پایان یافت. به گفته منابع غیر رسمی، در این درگیری‌ها که شامل بمباران هوایی شهر حماه بود، ۲۵۰۰۰ نفر از غیر نظامی‌ها کشته شدند. رهبران عمده جبهه اسلامی نیز به خارج گریختند. (النذیر، ش ۱۸، ۲۵-۲۶)

جنبش اسلامی سوریه، پس از گروه‌های اسلامی در لبنان، عراق و کشورهای عرب خلیج فارس، بیشترین انگیزه را جهت برپایی حکومت اسلامی را از انقلاب ایران گرفت. این نکته بارها از خود اخوان مورد تاکید قرار گرفته‌اند و آنها در ابتدا حمایت خود را از انقلاب اسلامی اعلام داشتند. نشریه النذیر ارگان جبهه اسلامی سوریه در مه ۱۹۸۰ بیانیه‌ای به چاپ رسانید که در ماده آن گفته شده بود: «انقلاب اسلامی ایران، انقلاب تمام جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام است. هر چند که ممکن است مکاتب فکری مختلفی میان جنبش‌ها وجود داشته باشد.» (همان، ۱۸۳)

با توجه به آنچه گفته شد، کشوری مانند سوریه اگرچه کشوری همجوار جمهوری اسلامی ایران به شمار نیامده و بازتاب انقلاب اسلامی در این کشور بر اساس نظریه پخش از طریق همجواری و همسایگی نبوده است، اما انقلاب ایران را تایید کرده و از آن ابراز حمایت کردند. (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۰۷-۲۱۲)

### آسیب شناسی سیاست‌های انقلاب اسلامی نسبت به عراق و سوریه

در رابطه با سیاست‌های انقلاب اسلامی ایران نسبت عراق باید گفت نبود ارتباط کافی با بسیاری از جریان‌های سیاسی در عراق اعم از شیعه و سنی باعث شد تا آنها در مواجهه با انقلاب اسلامی موضعی مشخص نداشته باشند به طور مثال جریانی مانند صدر که در قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران توسط شهید صدر مورد حمایت واقع شد اما در دوران‌های مختلف به خصوص در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن که با روی کار آمدن مقتدا صدر همراه است جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگویی موفق در جریان

انقلاب اسلامی نتوانست با جریان صدر در عراق ارتباط خوبی برقرار کند و همچنین نتوانست به عنوان یک محور در گروه‌های سیاسی شیعه عراق اتحاد و انسجام برقرار کند. به طوری که همواره گروه‌هایی مانند صدر و حکیم به عنوان دو جریان مستقل سیاسی شیعی در عراق ارتباط نزدیکی با یکدیگر نداشته و نسبت به موضوعات گوناگون، اختلاف دیدگاه داشتند. (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۰۳-۱۰۴)

جبهه اسلامی سوریه نیز که در مه ۱۹۸۰ بیانیه‌ای به چاپ رساند در ماده دوم بیانیه تاکید شده «که هر گونه توسل به زور علیه انقلاب اسلامی ایران و هر گونه خیانت به آن از طرف دیگر، در آینده به تمام جنبش‌های اسلامی را در سراسر جهان ضربه خواهد زد.» (الندیر: همان)

در این بیانیه از خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر آمریکا و غرب در جریان گروگانگیری سفارت آمریکا در تهران حمایت شده و از آمریکا خواسته شده بود که حملات خود علیه جمهوری اسلامی ایران را متوقف کند. جبهه اسلامی سوریه همچنین تاکید کرده بود که در طول هزار سال تاریخ گذشته اسلام، هیچ حادثه‌ای نظیر انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی(ره) میان مسلمانان وحدت ایجاد نکرده است. جبهه اسلامی سوریه اولین جنبش اسلامی بود که از اصطلاح انقلاب اسلامی استفاده کرد و در نشریات خود به انقلاب اسلامی سوریه اشاره کرد. به گفته جبهه اسلامی، انقلاب اسلامی سوریه همانند انقلاب اسلامی ایران، نه در غرب و نه در شرق هیچ حامی ندارد. همچنین در بیانیه انقلاب اسلامی در سوریه جمهوری اسلامی در ایران تنها حکومت اسلامی موجود در جهان عنوان شده بود. با این وجود نظر جبهه اسلامی در سوریه و اخوان المسلمین پس از حوادث ۱۹۸۲ و به ویژه سال ۱۹۸۳ نسبت به انتقاد جمهوری اسلامی ایران از اخوان در جریان شورش‌های ۱۹۸۲ م تغییر یافت. جبهه اسلامی از ادامه روابط حسنه میان ایران و سوریه دلگیر بود، و به ویژه زمانی که دکتر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ایران اخوان المسلمین را مورد انتقاد قرار دادند، جبهه اسلامی

سوریه بسیار ناراحت شد. اخوان المسلمین اعلام کردند که علی رغم حمایت بی دریغ از جمهوری اسلامی و امام خمینی(ره) در برابر آمریکا و رژیم صدام حسین، دولت ایران با «رژیم بعثی حاکم بر سوریه» از در دوستی درآمده است، و اخوان را که از مجاهدین فی سبیل الله هستند و جهت برپایی انقلاب اسلامی در سوریه و روی کار آمدن نظام اسلامی به شهادت می‌رسند، وابسته به امپریالیسم آمریکا می‌داند. بعد از ۱۹۸۳، اخوان المسلمین سوریه مدعی شد که به هیئت جبهه اسلامی سوریه تحت رهبری عدنان سعدالدین اجازه ملاقات با امام خمینی(ره) در تهران داده نشده است. و همین موضوع از نظر حامد الگار عامل گرایش جناح‌هایی از اخوان به رژیم بعثی صدام حسین در عراق شد. (محمدی، همان: ۲۱۴-۲۲۰)

به هر حال بخش عمده‌ای از اعضاء و رهبری جبهه اسلامی پایگاه‌های خود را به عراق منتقل ساختند و پس از چندی تحت فشار عراق حملات تبلیغاتی خود علیه جمهوری اسلامی و مواضع آن مطالبی را منتشر ساخت. با این وجود تمامی رهبران جبهه اسلامی به طرفداری از عراق موضع گیری نکردند. به ویژه عدنان عقله یکی از رهبران جبهه اسلامی سوریه بدلیل انتقاد از حمایت عدنان سعدالدین رهبر جبهه اسلامی از عراق، و نیز طرفداری از ایران، از جبهه اسلامی اخراج شد. برخی از رهبران جنبش اسلامی سوریه نظیر عصام العطار که در تبعید بسر می‌برد رابطه خوبی با جمهوری اسلامی دارد و گفته است که سیاست خارجی ایران در قبال سوریه را با توجه به مشکلات ایران در جنگ درک می‌کند. جمهوری اسلامی ایران اگرچه از ناحیه جریان اخوان المسلمین سوریه مورد حمایت و تایید واقع شد، اما سیاست‌های جمهوری اسلامی چه در زمان جنگ و چه در بعد از آن ارتباط مناسبی نبوده و شاید بتوان گفت از ناحیه نیروهای داخلی مورد بی مهری قرار گرفته اند. بنابراین اگر نسبت به جریان‌هایی مانند اخوان المسلمین ارتباط بهتری برقرار می‌شد در حال حاضر که اخوان المسلمین سوریه به عنوان یکی از مخالفین دولت بشار اسد به نبردهای مسلحانه اقدام می‌کند، دولت جمهوری اسلامی به راحتی می‌توانست

نقش آفرینی کرده و به عنوان یک دولت دوست و مرتبط با اخوان، جریان‌های تکفیری مورد حمایت اخوان المسلمین در سوریه را مهار کند.



## نتیجه گیری

اثرگذاری انقلاب اسلامی بر نیروهای سیاسی و اجتماعی عراق و اقدامات حکومت صدام برای مقابله با این مسئله، خود گواه تاثیر انقلاب اسلامی بر کشور عراق است. همان طور که بیان شد به دلیل وجود اکثریت شیعیان در عراق و همجواری با ایران و همچنین ارتباط بسیاری از علماء، رجال سیاسی و مردم ایران و عراق موجب شد در دوران‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، کشور عراق نیز از آن متاثر شده و جریان‌ها و گروه‌های سیاسی در آنجا جان تازه‌ای بگیرند به طوری که بعد از سقوط صدام در عراق این جریان‌ها فعال تر شده و جریان‌های سیاسی شیعی و نهضت‌های آزادی بخش آنجا تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت. اگرچه در کشور عراق و سوریه حزب واحدی بنام بعث حاکم بوده اما تأثیر انقلاب اسلامی در سوریه ویژگی کاملاً مجزایی دارد و محسوس ترین نمود آن، تبدیل دو دولت به متحدان تقریباً استراتژیک بوده است. پدیده ی صدور انقلاب به عنوان اولین و طبیعی ترین مولود انقلاب اسلامی، به طور متعارف پیامی برای اتحاد و جذب امت اسلامی و نفی دولت های مستبد و وابسته در جهان اسلام و دنیای عرب بود. هم گرایی و تقارب انقلاب اسلامی و دولت جمهوری اسلامی با دولتی که رسماً پایبند ایدئولوژی ناسیونالیستی - سوسیالیستی بعث بود، بعید و بر خلاف عرف می نمود. عوامل زیر می تواند این مسأله را توجیه نماید:

۱- دولت سوریه به رهبری حافظ اسد به دلایل مختلف، آخرین سنگر از کشورهای عربی بود که همچنان در مقابل اسرائیل ایستاده بود. لذا با توجه به آرمان هایی که انقلاب اسلامی علیه اسرائیل داشت، از این لحاظ بین دو کشور همسویی وجود داشت و تضعیف دولت سوریه به وسیله امواج صدور انقلاب، به نفع اسرائیل تمام می شد.

۲- حافظ اسد از اقلیت علویان سوریه می باشد و شخصاً فردی بالنسبه متعادل بوده که از مقبولیت مردمی نیز بهره مند بوده و در حزب بعث و ارتش موقعیت محکمی داشته است.

۳- در جنگ عراق علیه ایران، حافظ اسد به دلایل مختلف از ایران حمایت می کرد و این امر به خصوص در شرایطی که صدام می خواست با عربی - عجمی کردن جنگ، حمایت بیش تری از دنیای عرب به دست آورد، برای ایران بسیار ارزنده و اساسی بود.

۴- سوریه بدلائل خاص خودش، کانال حضور ایران را در عرصه لبنان تأمین و تضمین کرد. این امر موجب حمایت از حزب الله، تشدید حرکت اسلامی در فلسطین اشغالی و اعمال فشار بر رژیم صهیونیستی شد و تمام این جریانات از نظر صدور انقلاب بسیار موفقیت آمیز و ارزنده تلقی می شود.

۵- ترس و فشار مستمر رژیم صهیونیستی که به طور جدی موجودیت سوریه را همواره تهدید کرده، سبب شد که دولت و ملت آن کشور چندان موجب دو دستگی و رویارویی با یکدیگر پیدا نکنند و به آن هم نیندیشند. در حالی که صدور انقلاب اسلامی ممکن بود این وفاق نسبی را بر هم زده و به نفع اسرائیل تمام شود. در حال حاضر جریان‌هایی مانند اخوان المسلمین با حمایت از گروه‌های تکفیری - تروریستی به مقابله با جریان حاکم پرداخته و عملاً موجودیت رژیم صهیونیستی را تثبیت نموده اند.

۶- مسلمانان منطقه عربی - آسیایی بر خلاف مسلمانان منطقه‌ی عربی - آفریقایی، به دلایل تاریخی و جغرافیایی، حساسیت بیش تری به ایران دارند که دو مقوله به آن اشاره دارد:

۱- حساسیت عربی - عجمی.

۲- حساسیت شیعه - سنی.

لذا این حساسیت‌ها زمینه‌ی اثر گذاری انقلاب اسلامی ایران و اثرپذیری مردم مسلمان این منطقه را کاهش می‌دهد. در حال حاضر نیز که دولت بشار اسد به عنوان دولت قانونی کشور سوریه ریاست آن را بر عهده دارد و از طرفی چون کشوری مانند سوریه که اکثریت آن را اهل سنت تشکیل می‌دهند و جریان‌های سلفی و تکفیری در آن سرزمین به مبارزه با دولت مرکزی می‌پردازند بنابراین لازم است برای ترویج انقلاب اصیل اسلامی به آن سرزمین در ابتدا چند هدف را برای مقابله با جریان‌هایی که به نوعی مانع از تاثیر فرهنگ اصیل انقلاب اسلامی شده و اسلامی خشن را به جهانیان معرفی می‌کنند، مورد توجه قرار داد.

۱- آگاه کردن مردم سوریه از تفکرات و عقائد سلفیت به واسطه انتشار جزواتی در این زمینه به زبان‌های عربی به صورت سلیس و روان.

۲- اعزام مبلغینی از اهل سنت که مورد اعتماد آن جماعت بوده به طوری که نسبت به تفکرات سلفیت و وهابیت مخالف می‌باشند تا از این طریق به مردم آموزش دهند.

۳- رسانه‌ای کردن فعالیت‌ها و جنایات گروه‌های تکفیری و جهادی به صورت گسترده.

۴- کمک به امور معیشتی مردمی که گریبانگیر جنگ شده‌اند.

۵- درخواست از مجامع بین المللی برای جلوگیری از جنایات گروه‌های سلفی و تکفیری.

۶- ترویج آموزه‌های اصیل انقلاب اسلامی در میان جوانان و قشرهای تحصیل کرده.



## فهرست منابع

۱. ابوالحمد، عبدالحمید؛ مبانی علم سیاست، تهران، توس، ۱۳۶۸.
۲. اسپوزیتو، جان، ۱۳۸۲، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۳. احمدی، حمید، ۱۳۶۹، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه، تهران، سفیر.
۴. النذیر (ارگان جبهه اسلامی سوریه)، شماره ۱۸.
۵. النفیس، احمد راسم، ۲۰۰۵، الشیعه فی العراق بین الجذر الراسخه و الواقع المتغیر، قاهره، مرکز المحروسه للنشر و الخدمات الصحیفه و المعلومات، الطبعة الاولى.
۶. برزگر ابراهیم، نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱.
۷. پانوف، میشل، بدن، میشل، ۱۳۶۸، فرهنگ مردم شناسی، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، تهران، نشر ویس.
۸. درویش‌پور، حجت‌الله، بررسی پدیده ناسیونالیسم در جهان عرب، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
۹. دکمچیان، هرایر، ۱۳۶۶، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
۱۰. رابینز، فیلیپ، مجله راهبرد، ۱۳۸۱ شماره ۲۴.
۱۱. سریخ القلم، محمود، «تبیین مبانی سیاست خارجی عراق»، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴، صص ۳۹۳-۳۸۳.
۱۲. سیف زاده، حسین، عراق ساختارها و فرآیند گرایش‌های سیاسی ۱۳۸۷.
۱۳. صدیقی، کلیم، نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۹، تهران، اطلاعات.
۱۴. «عراق، صحنه بازی قدرتها» (میزگرد)، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۶.
۱۵. جعفری ولدانی، اصغر، مهر و آذر ۱۳۶۶، بررسی تاریخی اختلاف مرزی ایران و عراق، مجله سیاست خارجی.
۱۶. جویس ان.س ویلی، نهضت اسلامی شیعیان عراق، ترجمه مهوش غلامی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
۱۷. حشمت زاده، محمد باقر؛ تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، ۱۳۸۵.
۱۸. علوی سید نادر و علیرضا قربانی، انقلاب اسلامیدر گستره نظام بین الملل، تهران، عصر ظهور، ۱۳۷۹.
۱۹. گلی زواره غلامرضا؛ امت مسلمان، دیروز، امروز، انتشارات صحیفه خرد، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۰. ملکوتیان مصطفی، جغرافیا و سیاست، قم، حق یاوران، ۱۳۸۳.
۲۱. ملت‌های عربی و انقلابی، وزارت ارشاد اسلامی، دفتر برنامه ریزی و هماهنگی تبلیغات خارجی، ص ۱۲، مندرج در سند ۳۲۳۱ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۲۲. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، دانشنامه جهان اسلام، تهران، انتشارات.

۲۴. ولی بیک، باقر، «مواضع متغیر شوروی نسبت به انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی» دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، ش ۸، ۱۳۶۶.

25. Oliner, Olga, (2007), U.S Policy Options for Iraq, Reassessment: Rand press.

26. Galbraith, Pether, W. (2005), The Future of Kurdistan in Iraq, in Oleary, Philadelphia, University of Pennsylvania Press.

27. Nakash, Yitzhak, (2003), The Shiites of Iraq, Princeton: Princeton University Press.

